

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

بحث در ادله بدل حیلوله است؛ تا به حال سه دلیل را مورد بررسی قرار دادیم، در مورد دلیل سوم که قاعده‌ی علی الید بود، عرض کردیم که اگر ما باشیم و خود این حدیث علی الید هیچ ظهور و دلالتی بر بدل حیلوله ندارد. اگر آن راهی را که امام (رضوان الله علیه) طی کردند و فرمودند ما به حدیث علی الید تمسک کنیم و بگوئیم این حدیث دلالت بر اصل ضمان دارد ولی کیفیت اشتغال عهده مربوط به عقلاست، گفتیم این اصل مبنا را ما قبول داریم و اساس بسیار صحیحی است و روی این بیان از انضمام بنای عقلا به حدیث علی الید می‌توانیم بدل حیلوله را استفاده کنیم.

دلیل چهارم بر بدل حیلوله: قاعده لاضرر

دلیل چهارم استدلال به قاعده لا ضرر است، دیگر ذهن را از حدیث علی الید و قاعده سلطنت خالی کنیم ببینیم آیا قاعده لاضرر دلالت بر بدل حیلوله دارد؟ عرض کردم امثله‌ی بدل حیلوله زیاد است، مثلاً يك کسی مال دیگری را از اینجا به مکه برده و در جای معینی گذاشته و به ایران برگشته، تا بخواهد برود و بیاورد، يك سال زمان می‌برد. امثله‌ی بدل حیلوله منحصر به سرقت و دزدی و فرار کردن عبد نیست.

این امثله‌ی بدل حیلوله زیاد است که یکیش هم همین است، الآن این غاصب می‌گوید من مال تو را دارم و تلف هم نشده و از بین نرفته، در مکه يك جای معین گذاشتند سال آینده باید آن را بیاورم، يك سال زمان می‌برد. آیا اینجا ما می‌توانیم به قاعده لاضرر تمسک کنیم بر بدل حیلوله؟ و باز تذکر می‌دهم بدل حیلوله مثل همان بدل در فرض تلف است، یعنی وقتی شما می‌گوئید در ظرف تلف بدل این مال چیست؟ می‌گوئیم مثل یا قیمت.

بدل حیلوله هم همان مثل یا قیمت مراد است و الا اجرت این منافع فوت شده‌ی يك سال مورد بحث نیست و الآن نمی‌خواهیم راجع به آن بحث کنیم. می‌خواهیم بگوئیم اگر این بدل حیلوله را این غاصب ضامن نباشد آیا ضرری بر مالك متوجه است یا خیر؟

تقریب مرحوم اصفهانی از حدیث لاضرر بر بدل حیلوله [1]

مرحوم محقق اصفهانی (اعلی الله مقامه الشریف) فرموده چهار تقریب برای استدلال به لاضرر هست که غیر از تقریب چهارم

می‌فرمایند بقیه‌ی تقاریب مخدوش است:

تقریب اول این است که بگوئیم صبر مالک‌إلی زمان الوصول ضرری است. عبارت ایشان این است: «إن صبر المالك إلی حین الوصول إلی ماله ضررٌ علیهِ» بگوئیم همین صبر، این صبر کردن ضرر برای مالک است، این بیان اول که مرحوم سید در حاشیه مکاسب وقتی می‌خواهد به لاضرر تمسک کند، همین بیان را دارد. خود این صبر ضرری است، آدم یک سال از مالش دور باشد، در فراغ مالش صبر کند، این صبر ضرری است.

تقریب دوم این است که بگوئیم اگر شارع به ضامن بگوید حالا که این متعذر الوصول شد، يجوز لك التأخیر فی أداء العین، بگوئیم این ضرری است، بگوئیم شارع اگر بفرماید که غاصب بتواند تأخیر بیندازد و امتناع از اداء عین داشته باشد، خود این ضررٌ علی المالك.

تقریب سوم این است که بگوئیم «إن امتناع الضامن عن أداء البذل ضررٌ علیهِ» اگر ضامن امتناع کند از اداء بدل عین (در دوّمی گفتیم از اداء خود عین امتناع کند اما در سومی می‌گوئیم امتناع از اداء بدل) این ضرری است. مرحوم اصفهانی می‌فرماید هیچ یک از اینها بیان درستی نیست و حق هم با ایشان است.

تقریب چهارم: آنچه که ما می‌توانیم لاضرر را اینجا در میدان بیاوریم این است که بگوئیم اگر شارع حکم کند به عدم ضامن ضامن نسبت به بدل در فرض تعذر، «هذا الحكم ضرری» اگر گفتیم شارع حکم کند در ما نحن فیه به اینکه ضامن و غاصب لا یكون ضامناً لبذل الحیلولة، این حکم به عدم ضامن ضرری است. این تقریب پذیرفته است. تقریب‌های دیگر عرض کردم اصلاً واضح الفساد است، صبر مالک ضرر باشد، بعضی از مالک‌ها می‌توانند صبر کنند و بعضی‌ها صبر برایشان مشکل است و ثانیاً اصلاً صبر ضرر باشد چیز مالی ندارد، قاعده لاضرر اینگونه موارد که یک کسی صبر کند و این صبر برایش ضرری است، پس لازم نیست صبر کند، اینها چیزهایی نیست که با قاعده لاضرر ارتباط داشته باشد.

ارزیابی

برای پذیرش این تقریب باید ملتزم به سه مقدمه باشیم:

اولاً ما در سال گذشته در همین بحث ذکر کردیم که پنج مبنا در تفسیر قاعده لاضرر وجود دارد. مبنای مرحوم شیخ این است که می‌فرماید لاضرر دلالت بر نفي حکم ضرری دارد و ما هم همین را اختیار کردیم. لاضرر می‌گوید اگر در شریعت یک حکمی من جانب الشارع ضرری بر مکلف باشد شارع آن حکم را برداشته.

ثانیاً بگوئیم در لاضرر فرقی بین حکم وجودی و عدمی نیست، آن حکم چه حکم وجودی باشد، اگر وجوب وضو بر یک انسان ضرر دارد شارع می‌آید حکم را برمی‌دارد. یا آن حکم، حکم عدمی باشد، حکم به عدم ضامن در ما نحن فیه ضرری است. اگر شارع در اینجا حکم کند به اینکه غاصب ضامن نیست در زمان تعذر نسبت به اداء بدل حیلولة «الحکم بعدم الضمان ضرری» پس این مبنا را باید داشته باشیم که قاعده لاضرر منحصر در وجودیات نیست بلکه عدمیات را هم شامل می‌شود.

ثالثاً مبنای سوم هم باید اضافه کنیم که لعلّ این مبنای سوم از کلمات امام استفاده می‌شود و آن این است که هیچ راهی برای جبران ضرر غیر از بدل حیلولة نباشد، حالا اگر در جای خودش ثابت کنیم این غاصب ضامن این منافع است، منافع در این یک سال از جیب مالک می‌رود غاصب ضامن این منافع است. و اگر این منافع داده شود دیگر برای مالک ضرری معنا ندارد و سّد باب ضرر بر مالک می‌شود. اگر آمدیم این را هم گفتیم، اینجا دیگر نمی‌توانیم از این بدل حیلولة را استفاده کنیم، استدلال به قاعده لاضرر مبتنی است بر اینکه تنها راه جبران ضرر حکم به ضامن بدل حیلولة باشد و الا اگر ضرر این مالک از راه دیگر جبران شود، اینجا دیگر وجهی برای استدلال به قاعده لاضرر نیست.

استدلال به لاضرر مبتنی به سه مبنا شد؛ مبناي اول و دوم را ما قبول داریم. يعني لاضرر دلالت بر نفي حکم ضرري دارد، كما عليه الشيخ، اما روي مبنايي که خود امام داشت، امام فرمود که این لاضرر يك حکم حکومتي است، در زمان رسول خدا(ص) بوده و تمام شده، و روي نظر شريف امام اين را مکرر گفتیم که دیگر لاضرر بر احکام اوليه حکومت ندارد، لا حرج را امام قبول دارد و مي‌فرماید لا حرج بر تمام احکام اوليه حکومت دارد ولي لاضرر به عنوان يك حکم دائمي شرعي الي يوم القيامة نیست بلکه به عنوان يك حکم حکومتي بوده که رسول خدا در ايام حکومتشان انجام دادند و نمي‌شود بر ادله اوليه مقدم باشد.

مرحوم والد ما(رضوان الله تعالي عليه) همین نظريه امام را اختيار کرده بودند اما عرض کردیم ظاهر لاضرر همان است که مرحوم شيخ مي‌گوید که نفي حکم ضرري دارد، این مبنا درست است. مبناي دوم که لاضرر هم در وجودیات جریان دارد و هم در عدمیات، این هم درست است. اما اشکال در مبناي سوم است، مي‌گوئیم اگر این مالک دفع ضررش به این مي‌شود که اجرت این مالش را غاصب در این مدت به او بدهد، اینجا دیگر ضرري وجود ندارد، عرفاً نمي‌گویند این آدم که مالش مکه است و يك سال هم باید در مکه بماند برایش ضرري وارد مي‌شود. لذا این مبناي سوم مشکل پیدا مي‌کند در نتیجه به قاعده لاضرر نمي‌شود تمسك کرد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

بیانات حضرت آیت الله حاج شيخ محمد جواد فاضل لنکراني دامت برکاته

به مناسبت دومین سالگرد حماسه 9 دي در پایان درس خارج فقه (07/10/90)

و اما به مناسبت حادثه تاريخي و مهمي که در انقلاب ما در دو سال گذشته اتفاق افتاد و آن حضور آگاهانه، حضور همراه با تدبیر مردم عزیز کشور ما و آن راهپیمایی بسیار باشکوهي که در 9 دي انجام دادند و واقعاً اثبات کردند که مردم ما اگر ببینند در این نظام افرازي بخواهند مقدسات دین و نظام را خدشه‌دار کنند به موقع حضور پیدا مي‌کنند. از این جهت واقعاً باید خدا را شاکر باشیم که در زمانی قرار گرفتیم که مردم عزیز ما يك چنین آگاهی فوق العاده دارند.

شما شاهد بودید که در محرم سال 88 در روز عاشورا در تهران چه اتفاقي افتاد و چه قضایایی را به وجود آوردند؟ بعد هم بلافاصله در 9 دي مردم نسبت به آن اتفاق‌ها و قضایایی که به وجود آمده بود جواب محکم و قاطعانه‌اي دادند. به همین جهت هم امروز يك تجمع بزرگي ان شاء الله برگزار مي‌شود که حوزویان و عاشوراییان و آنهایی که دلشان در گرو انقلاب و نظام و اسلام است باید حضور پیدا کنند و به این حضور اهمیت بدهند و باید این خاطره را زنده نگه داریم.

نهم دي یکی از روزهای بسیار سرنوشت‌ساز انقلاب ما شد ولو اینکه در انقلاب ما هر روز يك حادثه‌اي، يك حرکت و جنبشي بوده است، واقعاً انقلاب ما تاريخ عجيبی شده! الآن خود ما خیلی توجه نداریم که چقدر حوادث و قضایا یکی پس از دیگری به وجود مي‌آید و با چه تدبیرهایی و فوق‌همه‌ي اینها عنایت خدای تبارک و تعالي این حوادث یکی پس از دیگری مي‌گذرد، اما بعد از صد سال که تاريخ انقلاب ایران را بنویسند و آن را بررسی کنند مشخص مي‌شود، تاريخ این مدت انقلاب با تاریخ‌های گذشته قابل مقایسه نیست، تاریخ‌های گذشته‌ي ایران مشحون از ظلم و فساد و تعدی و بطالت و ذلت و بیچارگي است، حکومت‌هایی که بودند مردمشان در نهایت ضعف و استضعاف بودند و حتي از جهت فکري بسیار بسیار ضعیف بودند ولي در این دوراني که ما داریم به سر مي‌بریم از نظر اینکه يك حکومتي وجود دارد که بر مبناي اسلام تشکیل شده، بر مبناي ولایت اهل بیت و اندیشه‌ي ائمه اطهار(ع) تشکیل شده و یژگي و امتیاز خاص خود را دارد.

حوزه‌ها و مسئولین دنبال این هستند که آنچه را که اسلام مي‌گوید بفهمند و پیاده کنند، البته ممکن است گاهی اوقات هم يك اشتباهاتي بشود، يك جايي فکر کنند که اسلام این را مي‌گوید، یا يك جايي که مي‌دانند اسلام چه مي‌گوید در مقام عمل اشتباه

شود، این يك امر طبيعي است، اما اساس نظام بر این است كه واقعاً ما اسلام را هر چه بیشتر بفهميم و پياده كنيم، این حكومت بسيار حكومت باارزشي است و اصلاً قابل مقايسه با حكومت‌هاي ديگران و حكومت‌هاي گذشته تاريخ ايران نيست و مردم هم اين را به خوبي فهميدند.

مردم فهميده‌اند كه امروز آن جوهره‌ي اصلي كه در كشور و در نظام به وسيله امام بزرگوار و به وسيله خون‌هاي شهدا، تزريق شد جوهره اسلام است، مردم اين را خوب فهميدند! لذا و هر جا مردم ببينند يك حركتي، يك شعارهايي، يك موضع‌گيري‌هايي مقابل با اين جوهره‌ي اصلي نظام باشد و بخواهد اسلاميت نظام را كم‌رنگ و تضعيف كند، به ميدان مي‌آيند.

ما يادمان نرفته كه اساس پيروزي انقلاب ما از همان عاشوراي محرم 57 بود و آن راهپيمايي‌هاي گسترده‌اي كه واقع شد. ما ديديم كه در همين حادثه 88 و فتنه 88 آمدند چه حركت‌هايي را انجام دادند كه قلوب عزاداران و متدينين را جريحه‌دار كردند، افرادي با چه وضعي در خيابان‌هاي تهران ظاهر شدند و پارچه‌هاي عزاداري امام حسين(ع) را به استهزاء كشاندند! حالا ولو بعد يك عده‌اي خواستند بگويند كه اين چنين نبوده ولي واقعاً بود و همه هم ديديم كه اين اتفاق افتاد، اهانت‌هاي ديگري كه واقع شد.

علي آي حال روز نهم دي يكي از روزهاي سرنوشت‌ساز تاريخ انقلاب بود و باز ما عنايت خدا و حضور روشن و آگاهانه مردم و تأثير آن ايمان باطني مردم را ديديم و همه ديدند، ببينيد از جمله جلوه‌هايي كه ما تأثير ايمان و اعتقاد مردم را ديديم ايام دفاع مقدس بود، چطور مي‌شود يك انسان حاضر باشد يك فرزند يا چند فرزند او در راه خدا كشته شود، اين اعتقاد به شخص نبوده، اعتقاد به يك نفر مسئول نبوده بلكه اعتقاد به خدا و اسلام و آن ريشه‌هاي ديني بوده كه بحمدالله در مردم ما بسيار بسيار قوي است.

علي آي حال ما خاطره اين روز را بايد زنده نگه داريم و بدانيم كه هر چه اين حضور آگاهانه مردم بيشتر است مسئوليت مسئولين ما بيشتر مي‌شود، مسئولين ما و همه‌ي ما بايد بدانيم اين حضور حماسي مردم، مسئوليت را مضاعف مي‌كند، جاي هر گونه عذر و بهانه براي قصور يا تقصير نسبت به مردم و خدمت به مردم و دين را مي‌پندد! يعني واقعاً مردم حجت را بر همه تمام كردند، اين خيلي مطلب مهمي است، مسئولين ما، روحانيت، آنهابي كه بالآخره امروز نقشي در اداره اين نظام دارند، حجت براي آنها از ناحيه مردم تمام است، اگر سر سوزني بي‌توجهي كنند به امور مردم، اگر به فكر رشد و تعالي اين كشور نباشند، در همه جهات، در جهات معنوي، علمي، اقتصادي و .. اينها واقعاً مسئوليت بسيار سنگيني در پيشگاه خدا دارد، ما بايد قدر اين مردم را بدانيم، اين توده‌ي عظيم مردم كه ايمان اينها در روز نوزده دي اينطور تجلي كرد و اين افتخار را براي نظام ما رقم زد و واقعاً يكي از ايامي كه شهدا و ارواح شهدا بسيار خوشنود شدند، روح امام(رضوان الله تعالي عليه) بسيار شاد شد، اين روز بود و اين حركتي كه مردم عزيز ما انجام دادند.

اميدواريم كه خدائي تبارك و تعالي همانطوري كه تا به حال سايه عنايت و لطف و فضل خودش را بر اين انقلاب داشته، كماكان اين عنايت الهي مستمر باشد.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين

[1] . «و منها: قاعدة الضرر: إمّا بدعوى أنّ صبر المالك إلى حين الوصول إلى ماله ضرر عليه، كما عن بعض أجلة المحشين» 1، و إمّا بدعوى أنّ تأخير الضامن أو امتناعه عن ردّ العين ضرر على المالك، و إمّا بدعوى أنّ امتناع الضامن عن أداء البدل ضرر عليه، و إمّا بدعوى أنّ عدم ضمان البدل ما دام التّعذر ضرر عليه، و ما عدا الأخير لا يخلو عن محذور نَبْهنا «2» عليه في مسألة المثلي المتعذر مثله. و أمّا الأخير فمبني على أنّ مفاد القاعدة رفع الحكم الضرري لا رفع حكم الموضوع الضرري، و على شمولها للأحكام العدمية و على عمل الأصحاب بها في المورد لينجبر به و هن دلالتها، لوضوح عدم عملهم بها في نظير المقام، كما إذا لم تكن العين متعذرة و حال بينها و بين مالکها اختياراً، فإنّه لا يقولون فيه بدفع بدل الحيلولة مع أنّ حاله حال المقام في الضرر، فتدبر» حاشية المكاسب (للاصفهانی)، ج 1، ص 429.